

روح افزا طرزی

منشیه

او، دختر محمد زمان طرزی خازن الکتب، می باشد. وی از جمله دختران نخبه و با سواد تمام خانواده های سرشناس آن زمان بود. هفته نامه ، ارشادالنسوان،، اولین نشریه برای زنان در افغانستان، به مدیریت اسما رسمیه طرزی، همسر محمود طرزی، مادر ثریا طرزی، ملکه کشور، از ۱۶ ماه مارچ به نشر آغاز و تا نه جون ۱۹۲۱، ادامه یافت.

مدیر این نشریه، روح افزا طرزی، معروف به منشیه بوده است. این نشریه، روی کاغذ نازک پسته یی رنگ در ، سرای ده افغانان،، کابل به چاپ سنگی می رسید.

بیش تر نوشته های ارشاد النسوان که زیر نظر مسقیم ملکه ثریا همسر امان الله، شاه نوجوی کشور، منتشر می شد، مطالب آموزشی برای زنان و دختران بود. خبر های زنان، آداب معاشرت زنان، آشپزی، خیاطی، تربیت کودک و خانه داری، مهم ترین مطالب این نشریه را تشکیل می داد.

در این نشریه، نام روح افزا به حیث سرمحرر درج گردیده است. اما، بانو اسما رسمیه نام خود را با

مخفف (۱ - ر) و روح افزا که نقش منشی را به دوش داشت، با مخفف (ر - ۱) نام خویش را درج می کردند. البته نباید فراموش نمود که خود محمود طرزی، نقش اساسی را در پیشبرد این هفته نامه داشت.

او هنگام نشر سراج الاخبار، در هنگام فرمانروایی امیر حبیب الله سراج، برای بار اول در کشور، ستونی را را زیر نام ، , زنان نامور جهان،، باز نمود که در آن از زنان معروف دنیا و هم چنان کشور های اسلامی، در مورد چهره های نخبه زنان یاد شده و زنده گینامه شان درج می گردید. این ها در برگزیده آن کارنامه زنان می گردید، که دیگر در چار دیوار خانه و سنت - از هرگونه اش - در بند نبودند.

این کار هم با واکنش تند برخی روحانیان و ملایان رو به رو شد. بعد با آغاز جنگ جهانی اول، که دلیلش را محمود طرزی در ظاهر امر، هجوم خبر های خوانده است، اما، من باور دارم که فشار روحانیان از آن میان سردار نصرالله که پناهگاه روحانیان و ملایان به شمار می رفت، در این امر نقش داشت، این ستون دیگر به دست نشر سپرده نشد.

این باور وجود دارد که چون اسما رسمیه که معروف به بی بی عربی بود، ورود کافی به زبان های پارسی نداشت، بار سنگین نشر ارشاد نسوان به دوش روح افزا طرزی، منشیه، قرار داشت.

در سر نامهٔ این نشریه سرودهٔ زیر به دست چاپ می
رسید:

خامه ام، ارشادِ نسوان می کند این قدرها وصف عرفان می کند

روح افزا بار اول با عبدالرووف، بچهٔ عبدالسمع ازدواج نموده است. بعد از او جدا شده با سردار عبدالعزیز، بچهٔ سردار عبدالوهاب، والی ترکستان (مزار) ازدواج نمود. او کسی بود که در جنگ علیه ملالنگ شرکت نموده است. تصویری را که عبدالحکیم وهاب دیده، در پشتش چنین خوانده می شده است، ، تقدیم به رفیقۀ حیاتم منشیه صاحبه یادگار شنوار. عبدالعزیز کندکمشر ۱۶ دلو ۱۳۰۲ (برابر هفتم جنوری ۱۹۲۴ طرزی).

روح افزا همسر دومش بوده است زیرا او بار اول با فرحت سلطان، دختر سردار عبدالقادر ازدواج نموده بود.

روح افزا، روزگار بعد از سقوط سلطنت امان الله را با تلخی از سر می گذراند. هسرش به بیماری روماتیزم و فشار خون مبتلا شد. او در ماه جوزای ۱۳۱۹، (برابر با ماه می ۱۹۴۰ طرزی) در کابل فوت و در زیارتگاه عاشقان و عارفان که خانه اش همان جا بود، به خاک سپرده شد.

یادماندهٔ من

تا جایی که من یادم می آید پس از آن که محمد حسین طرزی پدرم از حکومتی لعل و سر جنگل، در افغانستان مرکزی، به ادرسکن هرات

مقرر شدند، ما دوباره به هرات برگشتیم. (۱۹۵۱).

در آن جا روح افزا هم با دیگر عضوان خانواده ما که پس از سوقط امان الله، شاه نوگرای کشور، به حاشیه رانده شده بودند، در هرات مقیم گردیدند.

در این میان من روح افزا را که زن بلند قامت، خوش صحبت و بسیار آگاه بود، به یاد دارم.

مدت ها پیش که ما هنوز به دایکندی نرفته بودیم (۱۹۴۷) در بالا خانه زنده گی می کردیم که نزدیک مکتب دختران بود. روح افزا که پس از مرگ شوهرش و بی توجهی حبیب الله طرزی، برادرش، به هرات کوچیده بود، به حیث مدیره این مکتب کار می نمود. او چنان مدیر با تدبیر بود که نظم ویژه‌ی را در آن مکتب سامان داد. برخی از هراتیان هنوز هم از این روزگار یاد می نمایند.

از آن جایی که او دختر کاکای محمد حسین طرزی، پدرم می شد، ما با او پیوند نزدیکی داشتیم. از این رو پدرم حاضر شد تا نسیمه خواهرم را که پنج سال از من بزرگ تر بود به ازدواج عزیزالدین، بچه اش که از همسر دومش بود، بدهد. این امر با وجود مخالفت عزیزه حبیب طرزی، مادرم و محمد عثمان طرزی، برادر بزرگم، اجرا شد. البته از موافق نسیمه طرزی، خواهرم نمی توان در آن عادت ازدواج های سنتی، سخنی زد. این کار در صورتی اجرا شد که عزیزالدین دچار بیماری میرگی نیز بود.

روح افزا، پس از مدتی دچار بیماری - فکر می کنم سرطان گلو - شد. روز تا روز لاغر و تکیده می شد. از آن قد و قامت بلند، جز پوست و استخوان چیز دیگری بر بسترش نماند.

در پایان روز بر آن شدند تا به کابل نزد حبیب الله طرزی، برادرش که آدم دارایی بود و همه میراث پدرش را خود تصرف نموده بود، برای

تداوی برود.

به این گونه آنان به کابل رفتند.

پس از چندی آگاه شدیم که او فوت نموده است.

نسیمه، خواهرم که در خط یک ازدواج اجباری با او یک جا شده بود،

از هم جدا شدند. (۱۹۵۷)

سرچشمه ها:

- منیژه باختر، ، طرزیان،،.

- از سایت های گونه گون.

- عبدالحکیم وهاب، ، ره نمای فامیل،، دستنوشته. اول سرطان

۱۳۵۲ برابر ۱۹۷۳، کابل. با افزوده هایی تا دسمبر ۱۹۹۱، نیویارک،

ا.م.ا.

صدیق رهپو طرزی

شهر گت تینگن، جرمنی

اول ماه می ۲۰۱۹ع.

Goettingen, Germany

01.05.2019